

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، اول اکتوبر ۲۰۰۹

کله بی مغز – کدوی صحراء

ضمن مقاله مؤرخ ۲۷ سپتمبر ۲۰۰۹ معنون به "تو ز خود نرفته بیرون، به کجا رسیده باشی؟؟؟..." که در صفحه ۲۸ سپتمبر "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" مجال نشر یافت، بر توانائی های مغزی انسان اندک مکت کرده و بر تیز سایت "افغان جرمن آنلاین"، که با تمسک بر مصراع بیدل، خواسته بود سخنان خود را باصطلاح ایرانیان به کرسی بنشاند، خط بطلان کشیدم. فکر میکردم که متصدیان این سایت از آن نوشته انتباه گرفته و دست به دامان "تعقل" و "تدبر" زده و از "ذخائر مغزی" خود استفاده کرده و دیگر سخنی را "چوت انداز" به میدان نیندازند. مگر انتظارم عبث بود، که به فرموده شیخ اجل و استاد سخن، سعدی شیرازی:

"نرود میخ آهنین در سنگ"!!!!!!!

ساعت ۱۰ و ۳۲ پیش از چاشت دیروز ۳۰ سپتمبر ۲۰۰۹، ایمیل ذیل از سایت "افغان جرمن آنلاین" عنوانی پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" مواصلت کرد:

from Afghan German Online <info@afghan-german.de>
to Afghanistan-Azad <afgazad@gmail.com>

date Wed, Sep ۳۰, ۲۰۰۹ at ۱۰:۳۲ AM
subject remark
hide details ۱۰:۳۲ AM (۷ hours ago)

خالق داد پغمانی، نعمت الله، عظیم بامیانی و... و... نوشتن نامه به خود، تمجید از خود و توهین و تحقیر به دیگران از خصوصیات بچه کوچۀ عاشقان و عارفان میباشد. القاب اوقیانوس ادب، استاد، نویسنده تراز و... پیراهن زرین بود که کشیدن آن به جبر و زور بر تن بچه کوچۀ امکان پذیر نبود. ضمیر بچه کوچۀ همان است که در کوچۀ در آن حک گردیده. بااحترام

یقین دارم، که متصدیان سایت "افغان جرمن" انتساب این ایمیل را از خود انکار نخواهند کرد - چون دلیل انکار را هم ندارند - پس لازم افتید که نکته ای چند را به عرض ایشان برسانم:

در سابق نیز چند ایمیل ایشان با عین مضمون و متحوا به پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مواصلت کرده بود، که ضمن آن، آن بچه "عاشقان و عارفانی" را در جای "هیوادوال کابلی" و "گزارشگران متعدد پورتال" و "عبد المتین کوهدامنی" و "گل محمد" و غیره قرار داده بودند. حالا فرض کنیم که فردی وجود دارد، که هم به نام "نعمت الله" مینویسد، هم بنام "عظیم بامیانی"، هم بنام "گل محمد"، هم بنام "خالقداد پغمانی"، هم بنام "وطندار کابلی"، هم بنام "هیواد وال کابلی"، هم به نام "عبد المتین کوهدامنی" و هم بنامهای "اکس" X و "وای" Y و "زت" Z و هم گزارشهایی با تفصیلات و جزئیات مناطق مختلف افغانستان و جهان تهیه می کند و علاوه بر آن، هفته سه تا چهار مقاله مختلف النوع خرد و بزرگ از طرف شخص "دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی" عرضه میدارد؛ اگر فردی با چنین ظرفیت کار "خارق العاده" و این همه توانمندی های "غیر قابل تصور و مافوق قدرت بشری" وجود داشته باشد، مه میگم "نوش جانش" و چشم دشمنان کور!!!!!!

حقیقت مسلم اینست، که هیچ فرد بشر به تنهایی تنها از عهده این همه کار گسترده و مختلف النوع نه از نگاه زمان بدر شده نمیتواند و نه از نگاه مکان. حقیقت مسلم مگر این هم هست، که هر نویسنده از خود سبک خاص تحریر و بیان دارد - همان قسمی که هر شاعر سبک شعری خاص خود را دارد - که هر قدر هم بکوشد، نمیتواند از آن صد در صد بیرون رود، چون به نحوی نشان انگشت سبک و شیوه نگارشش در نوشته ها باقی میماند. این نکته را فقط شاعران و نویسندگان و اهل قلم میتوانند دریابند، اما متصدیان پورتال "دلده و دال" که نه اهل شعر و شاعری هستند و نه اهل قلم اند و نی نویسنده، باید همینطور جفنگها را بسرایند. یک نکته را اما به جید (جدا) بدانند، که اشخاص جدی و چیز فهم، به ریش ایشان خواهند خندید و به گفته شیرین و بس نمکین پورتالچیان "دلده و دال"، به ریش شان "ریشخند" خواهند زد!!!!!!

اگر متصدیان "دیگ دلده و دال" از اندک ترین سواد "نوشت و خوان" برخوردار میبودند، دست به چنین یک "خیله خندی" نزده و ادعای "خود بگو و خود بخند" خود را به میدان نمی انداختند!!!!!!

بر متن این نامه از نگاه املاء و انشاء و گرامر دری نمی خواهم تبصره ای بکنم، که حیف وقت گرانبها!!!!